

نیایش سال نو



ای تویی که خورشید من ایرانی را گرفتی تا در تاریکی و ایستایی ذهن تو ببندارم تنها هستم،

ای تویی که شیر وجود من را در قفس موشان زندانی کردی،

ای تویی که آهن اراده من را با سنگ خاره خود می ترسانی،

و پرچم زیبای سه رنگین میهن مقدس من را دستار کرده ای.

بدان که من ایرانیم!

من ذهن مرده تو را چنان با جنبش آزادی خود تکان خواهم داد تا زنده و پویا گردد.

من دل تاریک تو را با فرهنگ جهان بین ایرانیم چنان روشن خواهم کرد، تا از تاریکخانه خود بیرون آیی.

تو تاریکی اندیشه خود را بر من تحمیل کردی،

تو خشونت فرهنگ خود را بر من روا داشتی،

تو دارایی من را بردی و در خواری و ناتوانی رهایم کردی،

ولی من تو را سرانجام به روشنایی ایرانی بودن خواهم کشاند،

من ستم تو را با مهربانی خود درهم خواهم شکست.

من ایرانی تا تو را انسان نکنم از پای نخواهم نشست،

و لذت و افتخار ایرانی بودن را به تو خواهم چشاند،

تا هرگز نخواهی آنچه هستی باشی!

کوروش زعیم

فروردین 1391

برگرفته از سخنرانی کوروش زعیم در پاسارگاد